

متن پرسش

سلام: استاد بنده حدود ۲-۳ سالی هست که مبتلا به خطورات نفسانی، شیطانی در باب عقاید و خصوصا خداشناسی هستم. این خطورات که خارج از اختیار هست درست به عقاید حقیر حمله ور شده و هرچه برهان های فلسفی می خوانم، هرچه برهان های کلامی می خوانم اصلا فایده ندارد. مرحوم آیت الله شجاعی حدود چهل دقیقه در این باره توضیح فرمودند در فایل صوتی حدیث نفس و آنجا فرمودند که این خطورات ظاهرشان به شک می ماند که مثلا نعوذبالله نکند خدا نباشد؟ نکند اینها دروغ است و... فرمودند بهترین راه درمان این خطوراتی که خارج از اختیار هست بی اعتنایی است. فرمودن شک نیست مبدا فکر کنید اینها شک است. اگر شک بود که با بررسی برهان و... برطرف می شد ولی اینها تا آخر عمرتان هم استدلال و بررسی کنید برطرف نمی شود و این خود بهترین دلیل براین است که اینها شک نیست اگرچه ظاهرشان شبیه به شک است. بنده یکساله هست که بی اعتنایی کردم نسبت به این خطورات بحمدالله دیگه مثل قبل دائما این وساوس به ذهنم نمیاد ولی خب دلم هم از کار افتاده. انگار به کلی ایمان از قلبم بیرون شده. هیچ برهانی بر دلم اثر نمی کند. اشک چشمم خشک شده. عباداتم بی روح شده. سمت فلسفه و معرفت نفس هم که می روم حال بدتر می شود و این شک و تردید ها بیشتر می شود به همین دلیل از برکات فلسفه و معرفت النفس هم محروم مانده ام. نمی دانم چه کنم. بی اعتنایی به این خطورات اگرچه مفید بود ولی مسئله را حل نکرده. دلم سخت شده. تازیک شده. نمیتوانم حرکتی کنم. نمیدانم چطور از این بیماری خلاص شوم. اگر شک است باید با استدلال برطرف شود اگر شک نیست هم باید با بی اعتنایی برطرف شود. نمی دانم چه هست که نه با ان برطرف می شود و نه با این. چه کنم استاد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حقیقتا مرحوم استاد آیت‌الله شجاعی بهترین پیشنهاد را کرده‌اند. عجله نکنید به مرور نفس ناطقه به فطرت اصلی خود بر می‌گردد. بد نیست سری به غزل‌های حافظ که بر روی سایت هست بزنید و مدّتی با یکی از آن غزل‌ها به سر ببرید. موفق باشید